فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سـال دوازدهم، شماره چهل‌وهشتم، زمستان ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۱۱۳-۱۳۰

نقش حزب داشناکسوتیون و کنشگران ارمنی در انقلاب مشروطیت ایران

هایک ساریان[۱]

چکیده

مرکز ثقل و خاستگاه انقلاب مشروطه تبریز بـود و بـه سـرعت بـه دیگـر نقـاط ایـران گسترش پیدا کرد و موجب شد تا دیگر اقوام و قومیت‌های ایران نیز در شـکل‌گیـری و پیروزی آن مشارکت داشته باشند. ارامنه از جمله اقوامی بودند که در مشـروطیت ایـران نقش آفرینی کردند. در این انقلاب حزب داشناکسوتیون ارمنی به رهبری پیرم‌خان پای به عرصه گذاشت و پیروزی آن را هموار کرد. ایـن پـژوهش کـه بـه روش توصـیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و اسناد انجام شده، به دنبـال بازشناسـی نقـش ارامنه و احزاب ارمنی در مشروطیت ایران است. سؤال اصلی پـژوهش حاضـر آن اسـت که حزب داشناکسوتیون و ارامنه چه نقشی در جریان مشروطیت داشته اسـت؟ فرضـیه مطرح در این پژوهش نیز آن است که حزب داشناکسوتیون و ارامنه قفقاز با وجود اینکه غیر ایرانی بودند، برای برقراری آزادی و همچنین کمک به دیگر هم کیشان ارمنی خود در ایران از هیچ تلاشی برای به ثمر رساندن انقلاب فروگذار نکردند، چون معتقد بودنـد برقراری مشروطیت در ایران به نفع تمامی ملت‌هـای منطقـه اسـت. داشناکسـوتیون از طریق ارتباط با دیگر احزاب آزادیخواه اروپایی، صدای انقلاب ایران را بـه اروپـا رسـاند. آنها علاوه‌بر انتقال تجارب حزبی و سیاسی، توانستند منابع مـالی احـزاب در ایـران را از طریق اعانات و مساعدت‌ها برای تأمین تسلیحات نظامی برآورده سازند.

کلیدواژه‌ها: *داشناکسوتیون، کنشگران ارمنی، مشروطیت، پیرم‌خان.*

۱. مدرس زبان و ادبیات ارمنی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. haiksarin@gmail.com
تاریخ دریافت: ۰۱/۰۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۰۱/۱۱/۰۴

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

The Role of Dashnaktsutyun Party and Armenian Activists in Iran's Constitutional Revolution

Haik Sarian[1]

Abstract

The constitutional revolution originally started in Tabriz and quickly spread to other parts of Iran and caused other ethnic groups and ethnicities of Iran to participate in its formation and victory. Armenians were among the ethnic groups who had contributions in Iran's constitutionalism. In this revolution, the Armenian Revolutionary Federation (Dashnaktsutyun Party) led by Yeprem Khan stepped in and paved the way for its victory. This research, which was carried out in a descriptive-analytical method and based on library sources and documents, seeks to recognize the role of Armenians and Armenian parties in Iran's constitutionalism. The main question of the current research is what role did the Dashnaktsutyun Party and Armenians play in the process of constitutionalism? Here, the hypothesis is that the Dashnaktsutyun Party and Caucasian Armenians, despite being non-Iranians, spared no effort to bring about the revolution in order to establish freedom and also help their fellow Armenians in Iran, because they believed that Constitutionalism in Iran is for the benefit of all the nations of the region. Dashnaktsutyun introduced the Iranian revolution to Europe through communication with other European libertarian parties. In addition to transferring factional and political experiences, they were able to fulfill the financial resources of parties in Iran through grants and assistance to provide military weapons.

Keywords: Dashnaktsutyun, Armenian Activists, Constitutionalism, Yeprem Khan.

1. Lecturer of Armenian language and literature at Isfahan University, Isfahan, Iran. haiksarin@gmail.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

درآمد

انقلاب مشروطیت برآمده از افکار و اندیشه‌های گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه ایران بود که در مسیر اعتلای مبانی اجتماعی و سیاسی این سرزمین گام برداشته بودند. انقلاب مشروطیت همواره در تاریخ سیاسی ایران از ارزش و اعتبار فراوانی برخوردار است. با این حال بیشتر حوادث و رویدادهای تأثیرگذار بر پیروزی انقلاب مشروطیت مورد بررسی قرار گرفته است و وقایع بعد از پیروزی مشروطیت کمتر مورد توجه بوده است. به همین علت بعضی از عناصر اصلی تأثیرگذار بر شکل‌گیری مشروطیت به کلی از صحنه خارج یا فراموش شده‌است یا اینکه برخی افراد و گروه‌ها از وضع به وجود آمده سود جسته، وقایع را به نفع خود تبیین و تحلیل کرده‌اند.

در جریان انقلاب مشروطیت و روند به پیروزی رسیدن آن، اقشار مختلف جامعه و گروه‌های سیاسی از گرایش‌های متفاوت حضور داشتند، که از جمله آنها می‌توان به دو گروه عمده اشاره کرد: گروه اول، روحانیون و اقشار طرفدار آنها با گرایش‌ها مذهبی و گروه دوم، روشنفکران جامعه و همفکرانشان با گرایش‌ها غربگرایانه بودند. این دو گروه، قسمت اصلی کنشگران انقلاب مشروطیت در ایران را تشکیل می‌دادند. هدف مشترک آنها رهایی از استبداد حاکم بر کشور ایران و استقرار حکومت سلطنت مشروطه بر پایه عدالت بود. اما به غیر از این دو گروه، گروه‌های دیگری مانند ارامنه نیز بودند که افزون‌بر اهداف ذکر شده، با اهدافی دیگر با نهضت مشروطه همکاری کرده و در به پیروزی رساندن آن با گروه‌های ایرانی در یک سنگر به مبارزه پرداختند.

ارمنی‌هایی که در جریان مشروطیت در صف پیکارجویان قرار گرفتند، بیشتر از ارامنه قفقاز بودند که تجربه جنگ‌های چریکی با دولت عثمانی داشتند. این پیکارجویان بیشتر در قالب گروه‌های چریکی عضو حزب انقلابی داشناکسوتیون ارمنی، فعالیت می‌کردند. حزب داشناکسوتیون در آن زمان برای رهایی ارمنستان غربی که تحت سیطره عثمانی قرار داشت، فعالیت می‌کرد. این حزب به سبب امنیت و موقعیت راهبردی شهر تبریز، آنجا را مرکز فعالیت‌های حزب کرده، و در آنجا با اهداف مشروطه‌خواهان ایران آشنا شد. اهداف و ایدئولوژی مشروطیت با آرمان‌های حزب داشناکسوتیون همسو بود؛

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

از این‌رو حزب برای رهایی ایران از زیر یوق استبداد و برقراری مشروطیت در ایران، تصمیم به همکاری با مجاهدین آزادیخواه مشروطه گرفت.

پژوهش حاضر بنا دارد، چگونگی همکاری حزب داشناکسوتیون و پیرم‌خان، از رهبران گروه‌های فاتح در ایران، با دیگر مجاهدین مشروطیت را مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه پژوهش

در خصوص همکاری ارامنه در مشروطیت ایران به‌ویژه رهبر پیکارجویان ارمنی، پیرم‌خان، پژوهش‌های مختلفی صورت پذیرفته است. بیشتر این پژوهش‌ها به صورت کتاب و مقاله منتشر شده‌است. از جمله به تازگی اسنادی نویافته از همکاری حزب داشناکسوتیون با مشروطیت به دست آمده است. درباره این اسناد و همکاری ارامنه با نهضت مشروطه، مجموعه مقالاتی در شماره ۷۷ فصلنامه پیمان به قلم ططری (۱۳۹۵ش) با عنوان «معرفی و بررسی سندی نویافته از حزب داشناکسوتیون»، خانلری (۱۳۹۵ش) «پیرم و انقلاب مشروطه» و مزینانی (۱۳۹۵ش) «ارامنه و انقلاب مشروطه ایران» به چاپ رسیده است. از جمله کتاب‌های منتشر شده در این زمینه نیز، می‌توان به کتاب *حماسه پیرم*، اثر آموریان (۱۳۵٤ش)، *ارامنه و انقلاب مشروطه ایران*، اثر بربریان (۱۳۹۷ش) و *حزب داشناک و جریان نهضت مشروطه*، اثر مانوکیان (۱۳۸۹ش) اشاره کرد. در تمام این پژوهش‌ها، زمینه‌های پیوستن ارامنه به انقلاب، گروه‌ها و احزاب ارمنی فعال در مشروطیت، پیکارجویان ارمنی به‌ویژه پیرم‌خان، کِری و نیکول دومان و به‌طورکلی توصیف وقایع زمان مشروطیت و ارتباط ارامنه با آن از اواسط قرن نوزده تا زمان این انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر، سعی کرده به صورت تخصصی تصویر کامل‌تری از رشد سیاسی و فکری ارامنه و مشارکت آنها در انقلاب مشروطیت در بین سال‌های وقوع این انقلاب، فقط با محوریت عملکرد حزب داشناکسوتیون ارائه دهد. همچنین پژوهش با تکیه‌بر اسناد منتشره در روزنامه‌های ارمنی، برخی ابهامات علیه پیرم‌خان را برطرف کرده است.

حضور ارامنه در انقلاب مشروطیت

در دوره مظفرالدین شاه قاجار، در نتیجه اعتراضات و مبارزات مردمی، جنبش

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

مشروطیت به پیروزی رسید. پس از پیروزی مشروطیت، برای اولین بار در تاریخ ایـران، مجلس نمایندگان ملت در تاریخ ١٤ مرداد ١٢٨٥ش، برابر با ١٥ جمادی‌الثـانی ١٣٢٤ بـا نام مجلس شورای ملی تأسـیس شـد (ورهـرام، ٤٧٩). مجلـس شـورای ملـی تـا پایـان حکومـت پهلـوی دوم در سـال ١٣٥٧ش/ ١٩٧٩ ادامـه داشـت و بیسـت‌وچهـار دوره قانون‌گذاری برگزار کرده است.

هسته های اولیه حضور ارامنه و پیوستن آنهـا بـه مشـروطیت، زمـانی شـکل گرفـت کـه منازعات دو جناح «مشروطه خواهان» و «مشروعه خواهان» در باب حقوق اقلیت‌هـای دینـی در مقابل همدیگر قرار گرفت (زرگری نژاد، ١٤٩–١٦٧). بحث چالش‌برانگیز ایـن دو جنـاح بر سر تبعیض حقوق اساسی شهروندان بـدون درنظـر گـرفتن عقایـد و مـذهب آنهـا بـود. مشروطه‌خواهان و دولت مـدافع حقـوق اقلیـت‌هـا بودنـد (حـایری، ٣٩٨). یکـی دیگـر از چالش‌های ارامنه، نداشتن نماینده در مجلس بود، چون در نظام‌نامه مجلس جایگـاهی بـرای اقلیت‌ها پیش‌بینی نشده بود (خارابی، ٣٣٠–٣٢٩). به‌رغم رایزنی‌ها و درخواست‌هـای مکـرر، در نهایت با حضور یک نماینده از طرف ارامنه در مجلس موافقت شـد و یوسـف میرزایـان اولین نماینده ارامنه شد. ارامنه خواسـتار دو کرسـی در مجلـس بودنـد. پیـرم‌خـان و حـزب داشناکسوتیون از این مسـئله پشـتیبانی مـی‌کردنـد. ارامنـه همچنـین بـا مشـکلاتی همچـون محرومیت از مشاغل دولتی، خدمت سربازی و بعضی تبعیض‌های اجتماعی روبـه‌رو بودنـد (جلالی، ١٧). پس از کودتای محمدعلی شاه در ژوئیه ١٩٠٨ و تعطیلی مجلس، خشم مـردم تبریز شعله‌ور شد و به قیام انجامید. در سال ١٩٠٩روس‌ها به بهانه حمایت از اتبـاع خـود و ایجاد امنیت وارد تبریز شدند، اما نیت آنها سرکوب قیام مـردم و حمایـت از رژیـم قاجـار و اشغال شهر بود. با اشغال تبریز توسط روس‌ها، مبارزان ارمنـی تحـت تعقیـب بـا مشـکلاتی چون مأمن جدید روبه‌رو شدند، به‌همین‌رو به انقلاب پیوستند (همـان، ٩٢–٩١). اعلامیـه‌ای که در دوره کوتاه سلطنت محمدعلی شاه توسط حزب داشناکسوتیون صادر شده، به خـوبی رویکرد ارمنیان را نسبت به مشروطیت ایران نشان می‌دهـد. سـند ایـن اعلامیـه کـه در بـین مجموعه‌ای از اسناد خریداری شده توسط مرکز اسناد مجلس قرار داشت، در سـال ١٣٩٥ش بازیابی شد. از کلیدواژه‌های این اعلامیه می‌توان به نقض حقـوق بشـر، فشـارهای اجتمـاعی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

اقشار مـردم، کمبـود کارخانجـات، راه‌آهـن و علـوم و صـنایع در جامعـه آن روز پـی بـرد. نویسندگان این اعلامیه با استفاده از کلمه «هموطنان» به آنها هشدار می‌دهنـد: «هموطنـان! مـا ایرانیان روزهای تاریخی را طی می‌کنیم. مشـروطیت ایـران در معـرض خطـر اسـت: شـاه مخلوع...»؛ در فرازی دیگر، بار دیگر از این کلمه استفاده شده‌است: «هموطنان نباید فرامـوش کنیم که در این مدت زمان مشروطیت، رؤسـا و اولیـاء امـور مـا اشـخاص مغـرض سسـت عنصری بوده...»؛ در آخر نیز این اعلامیه نیز با سـه جملـه کلیـدی: «پاینـده بـاد اتفـاق ملـل، نیست باد استبداد و پاینده باد مشروطیت ایران» به پایان می‌رسـد (ططـری، ۸). از مـتن ایـن اعلامیه چنین استنباط می‌شود که ارامنه بدون هیچ چشم‌داشت و توقـع سیاسـی بـه انقـلاب پیوستند و با خطاب قرار دادن واژه هموطنان خود را جزو ملت ایـران دانسـتند و پیـروزی و استقرار حکومت غیراستبدادی را به نفع همه ملت قلمداد کرده‌اند.

۱- نقش کنشگران ارمنی در مشروطیت

با شکل‌گیری انقلاب مشروطه، ارامنه از انزوای تـاریخی خـود در حـوزه‌هـای حقـوق اجتماعی و سیاسی بیـرون آمدنـد. آنهـا مصـمم شـدند تـا در مبـارزات دور دوم انقـلاب مشروطیت پس از کودتای ۱۹۰۷ مشارکت مؤثری داشته باشند. این همکاری بـا پیوسـتن مجاهدین ارمنی به رهبری پیرم‌خان به انقلاب، نقطه عطفی برای ارامنه شد تا تأثیرگـذاری بر مبارزات را به نفع خود تغییر دهند (هدایت، ۲۰۱). همچنین ارامنه در حوزه نهادسـازی فعالیت‌های اجتماعی به‌ویژه حوزه بانوان بـا همکـاری آناهیـت همسـر پیـرم‌خـان، نقـش برجسته‌ای ایفا کردند (فتحی، ۷۱). به گفته روح الله رنجبر، شـواهد و مـدارک بسـیاری از همکاری بانوان ارمنی در حوزه‌های علمی- فرهنگـی و اجتمـاعی وجـود دارد کـه نشـان می‌دهد این همکاری‌ها مشوق بانوان مسلمان در چنین فعالیت‌هـایی شـدند، چـون در آن ایام زنان مسلمان به دلیل موانع سنتی از فراگیری علم محروم بودنـد (*روزنامـه ایـران نـو*، ۳٤). با ورود مبارزان حزب داشناکسوتیون از جمله «کـری»[1] بـه جمـع مبـارزان تبریـز بـه

۱. کری (Keri)، از فدائیان مبارز حزب داشناکسوتیون و فرمانده گردان چهارم نیروهای داوطلب ارمنی بود. او در جنبش مشروطیت ایران و جنگ جهانی اول مشارکت داشت و در سال ۱۹۱٦ در یکی از جنگ‌ها در رواندوز عراق کشته شد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

رهبری ستارخان، نه تنها بر تعداد مبارزان ارمنی افزوده شده، بلکه موجب شد تـا محـلات ارمنی‌نشین به کانون مبارزه و حمایت از جنـبش تبـدیل شـوند (مانوکیـان، ۱۰۶-۱۰۹). از طرفی تعیین سرنوشت ایران برای ارامنه که بخشی از جامعه بودند، مهم بود؛ بـه همـین‌رو ارامنـه در تحـولات سیاسـی و اجتمـاعی کشـور مشـارکت کردنـد (جلالـی، ۱۸). مشروطه‌خواهان نیز برای پیشبرد خواسته‌های خود به ورود جنگجویان ارمنی قفقـاز امیـد بسته بودند؛ زیرا عقیده داشتند این نیروها تجربیـات فراوانـی در ایـن نـوع درگیـری‌هـای محلی دارند. انقلابی‌های قفقاز نیز حق انتخاب نداشتند، چراکه بی‌تردید استقرار حکومـت مشروطه به نفع ارمنیان بود (نیکوقوسیان، ۸٤). بر این اساس ارامنه انجمن «اتحادیه ارامنـه تبعه ایران» را تشکیل دادند تا به اهداف مشروطیت خدمت کنند (نوایی، ۱۳۷-۱۳۹).

۲- اهداف و آرمان حزب داشناکسوتیون

حزب داشناکسوتیون یا حزب «فدراسیون انقلابی ارمنی»، یکـی از احـزاب بـزرگ ارمنـی بود که در سال ۱۸۹۰، با هدف حل مسئله ارامنه ساکن در ارمنستان غربـی در شـهر تفلـیس تشکیل شد (Simonian, 385-386). داشناکسـوتیون بـه معنـی هـم‌پیمانـان، بـا رهبـری کریستاپور میکایلیان[1]، سیمون زاواریان[2] و استپان زوریان[3] معروف به رستوم، ایجاد شد. ایـن اشخاص در حقیقت از روشنفکران ارمنی و از تحصیل‌کردگان دانشگاه‌هـای معتبـر اروپـایی بودند که هسته اولیه ایـن حـزب را تشـکیل دادنـد (مانوکیـان، ۵۹-٦٤). ایـدئولوژی حـزب داشناکسوتیون، انقلابی، دموکراتیک و ملی‌گرایانه سنتی بر مبنای اندیشه‌های سوسیالیزم بـود، و هدف آن ایجـاد ارمنسـتان آزاد، مسـتقل و متحـد بـود (اوهانیـان، ۵۸-۵۹). «دروشـاک» و «هنچاک» به عنوان روزنامه رسمی حزب معرفی شد و مانیفست معـروف حـزب کـه آزادی کامل ارامنه دربند عثمانی که درگیر مرگ و زندگی بودند، اعـلام شـد (Simonian, 387). خط‌مشی کلی و اهداف بلندمدت حزب داشناکسوتیون، آزادسازی کـل سـرزمین ارمنسـتان، یعنی ارمنستان شرقی تحت تصرف روس‌هـا و ارمنسـتان غربـی تحـت اشـغال امپراطـوری

1. Chritapor Michaelian
2. Simon Zavarian
3. Stepan Zorian

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

عثمانی بود (جلالی، ۱۲۹). حزب داشناکسوتیون از زمان تشکیل از نظر سازماندهی و راهبردی به شاخه‌های مختلفی تقسیم شد. در دوران انقلاب مشروطیت در ایران، پیروزی و استقرار حکومت مشروطه و برچیده شدن استبداد در ایران از همه جهت به نفع ارامنه و ملت‌های همجوار با ایران بود؛ به همین‌رو حزب داشناکسوتیون تصمیم به همکاری با مشروطه‌خواهان ایران گرفت و برای پیشبرد این تصمیم، شاخه نظامی حزب را برای کمک به مجاهدان در جنگ‌های چریکی و محلی تأسیس کرد.

ارمنیان به‌سبب روابط با روس‌ها در مرزهای شمالی، آشنایی با روشن‌فکری سیاسی- اجتماعی روز اروپا و مواجهه با شکست‌ها و پیروزی‌ها در صحنه سیاست روسیه تزاری، خود را نسبت به دیگر ملل انقلابی مسئول می‌دانستند و می‌کوشیدند تا طعم شیرین مردم‌سالاری را به خود و دیگران بچشانند. هسته اصلی حزب داشناکسوتیون در روسیه تزاری شکل گرفت به همین دلیل زمانی‌که شاخه نظامی آن، در دوره استبداد صغیر، در کنار مجاهدان قرار گرفت، نقش مؤثری در عقب راندن نیروهای محمدعلی شاه و کسب پیروزی برای جبهه مشروطه‌خواه ایفا کرد (ططری، ۹-۸). ارامنه قفقاز قبل از ورود به ایران، در انقلاب ۱۹۰۵روسیه حضور داشتند (بربریان، ۱۹). آزادیخواهان قفقاز که در انقلاب بدفرجام ۱۹۰۵روسیه با شکست مواجه شده بودند به ایران پناه آورده و با اشاعه افکار انقلابی، ملیون و میهن‌پرستان ایرانی را به مبارزه با رژیم استبدادی تشویق کردند (هوشنگ مهدوی، ۳۱۸-۳۱۷).

۳- موقعیت ارامنه و حزب داشناکسوتیون در آذربایجان

بیشترین فعالیت احزاب سیاسی ارامنه در اواخر قرن نوزدهم در ایران شکل گرفت. خاک ایران به قبله آمال انقلابیونی تبدیل شده بود که بسیاری از آنان از ارامنه قفقاز بودند. ارامنه قفقاز از نیمه دوم قرن نوزدهم به نام «فَداییان» شناخته شدند. واژه فداییان برگرفته از اسلام و به معنی «از خود گذشتگان» است. فَداییان ارمنی که عضو حزب داشناکسوتیون بودند، از خاک ایران به عنوان سکوی پرتاب برای انجام عملیات در استان‌های ارمنی‌نشین عثمانی استفاده می‌کردند (بربریان، ۹٤). بیشتر جمیعت ارامنه در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

آذربایجان در شهرهای تبریز، سلماس و خوی ساکن بودند. در تبریز دو محله ارمنی نشین لیل‌آباد و قلعه قرار داشت. مقر حزب داشناکسوتیون در لیل‌آباد بود. ارامنه تبریز بیشتر صنعتگر بودند و قدیمی‌ترین کلیسا در تبریز مربوط به سال ۱۷۸۹ بود. ارامنه همچنین در تبریز دارای مراکز فرهنگی-هنری و مدارس بودند (مانوکیان، ۱۰۶-۱۰۷). همانگونه که فرانسه برای انقلابیون ایتالیایی و بلغارستان برای انقلابیون مقدونیه مکانی امن محسوب می‌شد، آذربایجان نیز برای انقلابیون ارمنی پناهگاهی امن به حساب می‌آمد و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. اعضای حزب داشناکسوتیون در آذربایجان به فعالیت‌های انقلابی از جمله تهیه و تدارک اسلحه و مهمات نظامی برای گروه‌های چریکی خود پرداختند و آنها را به داخل مرزهای ارمنستان غربی انتقال دادند (Varandian, 123). تبریز به خاطر امنیت و آرامش و همچنین موقعیت استراتژیک خود، رفته رفته به مرکز اصلی فعالیت‌های حزب داشناکسوتیون تبدیل شد، و حتی دو شماره از ارگان روزنامه دروشاک در آنجا به چاپ رسید (مانوکیان، ۱۱۳). انقلاب به ترکان جوان و «داشناک‌ها» که از متحدان آنان بودند این فرصت را داد که با تجمیع نیروها و امکانات به کمک تبریزی‌ها بشتابند. رستوم، یکی از رهبران حزب در دیداری که با ستارخان داشت به توافق رسید که علاوه‌بر مشارکت داشناکسوتیون در خیزش تبریز به تهیه بمب و مین و تجهیز نیروهای مبارز تبریز فعالیت کند. آنان علاوه‌بر حضور در شورای فرماندهی، سازماندهی و نظم بخشیدن نیروهای مبارز را نیز بر عهده گرفتند و زیر نظر ستارخان فعالیت کردند (جلالی، ۱۳۶).

۴- توافقات اولیه داشناکسوتیون با مشروطه‌خواهان

رستوم، که از مؤسسین حزب داشناکسوتیون بود، از طرف حزب به ایران آمد و با مشروطه‌خواهان وارد مذاکره شد. در این دیدار افرادی همچون وثوق‌الدوله نایب رئیس مجلس، مستشارالدوله و حاج میرزا آقاابراهیم نمایندگان تبریز و از سران انجمن‌های انقلابی (مانوکیان، ۹۶) و دو تن از مجتهدان تهران، یعنی آقایان سید عبدالله و سید محمد حضور داشتند (Varandian, 203). در جلسات متعدد که در بین سال‌های ۱۹۰۷ تا

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

۱۹۰۸ برگزار شد، مسائل مهم مورد بحث قرار گرفت و در نهایت دو طرف به توافق رسیدند. داشناکسوتیون از مشروطه‌خواهان خواستار ضمانت کامل در مورد رشد مشروطیت در مقابل اقدامات شاه، حفظ تمامیت ارضی ایران در مقابل توافقات روس و انگلیس و خروج نیروهای ترک از مناطق آذربایجان شد (مانوکیان، ۹۸) و در مقابل داشناکسوتیون متعهد شد از نفوذ و روابط خود در اروپا برای جلب و مساعدت دولت فرانسه از انقلاب مشروطیت استفاده کند (Varandian, 26). آنها همچنین متعهد شدند تا با در اختیار گذاشتن تجربه خود در زمینه مسائل توپخانه و آگاهی‌های نظامی و تأمین منابع مالی در تجهیز نیروهای نظامی و کمک به نیروهای ایرانی در جنگ‌های پارتیزانی همکاری همه‌جانبه داشته باشد (مانوکیان، ۱۰۲). در سال ۱۹۰۸ حزب داشناکسوتیون مذاکراتی نیز با ستارخان داشت و با او در این موارد به توافق رسید: ۱- حزب تعهد می‌کند که رزمندگان خود را از قفقاز به تبریز اعزام کند و در خدمت مجاهدان قرار دهد؛ ۲- رزمندگان سلاح‌های خود را به همراه بیاورند؛ ۳-رزمندگان ارمنی متعهد می‌شوند تا آموزش‌های لازم نظامی و جنگی را در اختیار مشروطه‌خواهان قرار دهند و در مناطق استقرار خود به سازماندهی نیروهای مشروطه‌خواه بپردازند (نیکوقوسیان، ۸۷-۸۶).

مشروطه‌خواهان تبریز و ارتباط آنها با حزب داشناکسوتیون

محمدعلی شاه به تعهدات خود در قبال مشروطیت عمل نکرد و مجلس را به توپ بست. محیط سیاسی کشور روبه ناآرامی گذاشت و موجب خیزش مردم تبریز و سرآغاز اعتراضات مشروطه‌خواهان شد. در سال ۱۹۰۸ ستارخان رهبر رزمندگان مشروطه‌خواه توانست محل نگهداری سلاح‌های دولتی را به تصرف درآورد. در چنین شرایطی گروه‌های آزادیخواه به فداییان حزب داشناکسوتیون درخواست همکاری دادند (مانوکیان، ۱۱۵-۱۱۶). با شدت گرفتن اعتراضات و شکل‌گیری انقلاب مشروطه، شعبه آذربایجان حزب داشناکسوتیون و برخی رهبران آن مانند رستوم، چگونگی مواجهه با این انقلاب را بررسی کردند (تکمیل، ٥٦). رستوم در سال ۱۸۹۵ با گذرنامه ایرانی به عنوان تاجر، درحالی که سلاح حمل می‌کرد و قصد تجهیز حزب را داشت، وارد ایران

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

شده بود (آموریان، ٤٩). در کنگره چهارم سال ۱۹۰۷حزب داشناکسوتیون در ژنـو، بعـد از بررسی گزارش رستوم از اوضاع ایران و همچنین درخواست‌های مکـرر انقلابیـون از حـــزب بـــرای پیوســـتن بـــه نهضـــت مشـــروطیت، کنگـــره بـــه ایـــن نتیجـــه رسید که چون نتایج این انقلاب در راستای منافع ارامنه خواهد بود، بـه نهضـت ملحـق می‌شود (Vratsian, 152-162). داشناکسوتیون تصمیم گرفت با مشروطیت همراهی کند و در عوض خواسته‌هایی نیز داشت. این تصمیم باعث شد تا داشناکسـوتیون بـرای به دست آوردن پایگاه مطمئن در ایران، در کنار رزمنـدگان ایرانـی در برابـر سـوداگران بیگانه قرار بگیرد (مانوکیان، ۹۳).

همکاری داشناکسوتیون در خیزش گیلان

پس از اشغال تبریز توسط روس‌ها و پیروزی ترکان جوان هم‌پیمـان داشناکسـوتیون در ترکیه، داشناکسوتیون تصمیم گرفت نیروهای خود را به گیلان منتقل کند (جلالـی، ۱۳۸). در آن ایام استبداد و خشونت از پایتخت به شهرهای سرحدی رسـیده بـود و سـرکوب و دستگیری مشروطه‌خواهان نیز شدت گرفته بود؛ انجمن‌های آزادیخواه و احزاب یکی پس از دیگری بسته می‌شد (Elmar, 220). در چنین شرایطی پیـرم‌خـان بـه رشـت رفـت و مخفیانه کمیته «ستار» را به جای کمیته «جهانگیر»که متلاشی شده بود، تشکیل داد (همـان، ۲۲۱). رهبری کمیته ستار را پیرم‌خـان بـه‌دسـت گرفـت. اعضـای ایـن کمیتـه از اقـوام و گروه‌های مختلف تشکیل شده بود (جلالی، ١٤٠). بعضی نام کمیته سـتار را متـأثر از نـام ستارخان رهبر جنبش تبریـز دانسـته‌انـد (*روزنامـه نسـیم شـمال*، ش۱۳۲۷: ۲۳) پیـرم بـا راه‌اندازی کمیته ستار و ایجاد اتحاد بین اعضـای داشناکسـوتیون و ایرانیـان، آمـاده مبـارزه شد. پیرم با سروسامان دادن اوضاع برای تهیه اسلحه و مهمات به قفقـاز رفـت (Elmar, 224). از مشکلات داخلی گیلان خطر شاهسون‌ها، تالشی‌ها و سپهدار تنکـابنی بـود، کـه تمامی این مشکلات از طریق مذاکرات پیرم با سران این طایفه‌ها حل‌وفصل شـد و زمینـه برای حرکت آماده شد (همان، ۲۲۷). پیرم و یارانش راه را برای فتح رشت مهیـا کردنـد و در ٢٦ ژانویه ۱۹۰۹ به دارالحکومه حمله کرده بر رشت مسلط شدند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

فتح تهران و پیروزی مشروطیت

مجاهدین آزادیخواه به رهبری پیرم بعد از تصرف رشت به طرف قزوین حرکت کردند. در قزوین مستبدان دولتی که به خاطر تولد شاه به جشن و سرور پرداخته بودند با رسیدن مجاهدین به شهر، سراسیمه از شهر فرار کردند و بعد از آن جنگ بین نیروهای قرجه داغ و مجاهدین درگرفت و تا صبح ادامه داشت، که در نهایت با پیروزی مشروطه‌خواهان به پایان رسید (کسروی، ٢٤). محمدعلی شاه پس از شنیدن خبر تصرف قزوین هراسان شد و به نیروهای مشروطه‌خواه اعلام کرد حاضر به همکاری با مشروطه است؛ اما آزادیخواهان اعتماد خود را نسبت به شاه از دست داده بودند و تنها راه جلب اعتماد، اجازه ورود آزادیخواهان به تهران و بازگشایی مجلس بود. وقتی شاه از این طریق نتوانست نتیجه مطلوب بدست آورد، خواست تا از طریق اختلاف و نفاق بین گروه‌های آزادیخواه مانع ورود آنها به تهران شود. ولی این حربه شاه نیز با درایت پیرم‌خان و با ایجاد وحدت میان سران جنبش، خنثی شد و نیروها آماده ورود به تهران شدند (مانوکیان، ۱۷۳-۱۷۵). گروه‌های آزادیخواه در ۲۹ ژوئن ۱۹۰۹ به تهران رسیدند. مهمترین این گروه‌ها، ارامنه به فرماندهی پیرم‌خان و بختیاری‌ها به فرماندهی سردار اسعد بودند. معزالسلطان و عمیدالسلطان نیز با افراد خود همراه این گروه‌ها بودند (رائین، ٥٤١). آزادیخواهان پس از رسیدن به تهران و تصرف مجلس در میدان بهارستان، به طرف ساختمان نیروهای قزاق حرکت کردند. در آنجا جنگ سختی بین ژنرال لیاخوف و گروه آزادیخواهان درگرفت. در نهایت پس مذاکره بین لیاخوف و مشروطه‌خواهان، لیاخوف تسلیم شد و مشروطه‌خواهان در تاریخ ۲۵ تیر ۱۲۸۸ به پیروزی رسیدند (کسروی، ۵۹).

اوضاع داخلی ایران در دوره مشروطیت

پس از پیروزی مشروطیت، فاتحان در تهران نهادی با نام «مجلس عالی» تشکیل دادند. این نهاد که از اقشار و گروه‌های مختلف تشکیل شده بود، اوضاع کشور را سروسامان داد و احمد میرزا را به جای شاه مخلوع به سلطنت و عضدالملک را به نیابت سلطنت برگزید. این نهاد همچنین سپهدار را به وزیر جنگ، سرداراسعد را به وزارت داخله و پیرم‌خان را به خاطر لیاقت و بروز کاردانی به سرپرستی نظمیه برگزید (جلالی، ۱۵۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

گماردن پیرم‌خان بر نظمیه، موجب اصلاحاتی در ساختار آن شد. پیرم‌خان دوایری همچون کمیساریاها، کلانتری‌ها، گشت شبانه، پلیس مخفی، بریگاد ژاندارم و غیره تأسیس کرد و نظم و قانونی خاص در این اداره به‌وجود آورد. او همچنین نیروهای با تجربه ارمنی را در اداره نظمیه به خدمت گرفت (سازمان اسناد ملی ایران، ش۲۹۳۰۰۲۵۳۱: ۷۱٤). اجرای قوانین توسط پیرم که در تقابل با بعضی از جریان‌های سیاسی و مذهبی بود، موجب تخریب این مبارز ارمنی در دوران پسامشروطیت شد. پیرم مجری قوانینی بود که از طرف دولت و مجلس به او ابلاغ می‌شد و بعضی گروه‌ها چون مورد اعمال قانون قرار گرفته بودند، برای تبرئه کردن خود مسئولیت را بر دوش پیرم مسیحی می‌انداختند، در حالی که پیرم فقط مجری قوانین بود، نه بیشتر (جلالی، ۱۵۳). کمیته مرکزی حزب داشناکسوتیون در تهران با مشاهده اوضاع پیش آمده از پیرم تقاضای کناره‌گیری از مناصب دولتی می‌کند، که این امر موجب اختلاف بین طرفداران و مخالفان پیرم در کمیته مرکزی حزب شد (*آلیک*، ش۲٤۱۰٦: ۳).

۱- برقراری نظم عمومی پس از مشروطیت توسط پیرم

استقرار آرامش نسبی و سروسامان گرفتن اوضاع آشفته ایران، بالطبع خوشایند دولت روسیه تزاری نبود. دولت روسیه از اینکه یکی از اعضای داشناکسوتیون به چنین مقامی در سازمان نظامی ایران رسیده، خشنود نبود. آنها او را تخریب کرده و «یاغی ارمنی» می‌نامیدند (مانوکیان، ۱۸۰). در همین اثنا، پیرم موفق شد، شورش ملامحمدعلی در زنجان علیه مشروطیت را خنثی کند (Elmar, 310). پس از آرام شدن اوضاع در زنجان، به تحریک روس‌ها، اغتشاشی در تبریز رخ داد. والی تبریز با هماهنگی روس‌ها از دولت مرکزی تقاضا می‌کند تا ستارخان و باقرخان را از تبریز دور کنند، اما پیرم از این کار امتناع می‌ورزد، زیرا چنین عملی را در مقابل همرزمان آزادیخواه خود ناشایست می‌دانست (همان، ۳۲۰). پیرم در تبریز با ستارخان و باقرخان دیدار می‌کند و در نهایت سردار و سالار به تهران می‌روند. پیرم یک ماه در تبریز می‌ماند و در آنجا موفق می‌شود تمامی مخالفان مشروطه از جمله شاهسون‌ها که طرفدار نظام استبدادی گذشته بودند را

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

شکست دهد و بر اوضاع تبریز مسلط شود (مانوکیان، ۱۸۹–۱۸۸).

۲- واقعه پارک اتابک و حوادث ناخواسته

پیرم پس از فائق آمدن بر یک سری از مشکلات، با اصرار حزب تصمیم به استعفا و کناره‌گیری از امور دولتی و خروج از کشور می‌گیرد، اما با درخواست‌های مکرر از طرف بعضی از آزادیخواهان و مقامات دولتی، برای برقراری اصول مشروطیت و آرمان‌های آن، از تصمیم خود صرفنظر کرده و به ماندن رضایت می‌دهد (مانوکیان، ۱۹۲). در همین اوضاع و احوال بعضی از مجاهدین آزادیخواه برای به اجرا درآمدن اصول مشروطیت همچنان به فعالیت‌های خود ادامه دادند. مجاهدین در پارک اتابک تجمعی به راه انداختند؛ از این‌رو دولت از آزادیخواهان می‌خواهد که سلاح‌های خود را زمین بگذارند. دولت همچنین پیشنهاد خرید سلاح از مجاهدین را می‌دهد (جلالی، ۱۶۰–۱۵۹). ستارخان و باقرخان به‌رغم توافق اولیه بر سر استرداد تفنگ‌ها، اما به خاطر بعضی از مسائل همچون تبعیض در برخورد با مجاهدین و توافق بر سر قیمت تفنگ‌ها، پایشان به پارک اتابک باز می‌شود (ملک‌زاده، ۸۷۳). در پی تجمع، کم کم ناآرامی‌هایی شکل می‌گیرد، پیرم به مجاهدین ٤٨ ساعت فرصت می‌دهد تا سلاح‌ها را تحویل دهند (جلالی، ۱۹۲). با آشفته‌تر شدن اوضاع بعضی دیگر از نظامیان به دستور رجال سیاسی بدون درنظر گرفتن فرصت ٤٨ ساعته اقدام به تیراندازی می‌کنند. پیرم به ناچار پارک اتابک را محاصره می‌کند و درگیری بین نیروهای دو طرف رخ می‌دهد. ستارخان از فردی نامشخص مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و زخمی می‌شود. پس از آن نیروهای تحت امر پیرم، مجاهدین را خلع سلاح و راهی زندان می‌کنند و پیرم اوضاع را به گونه‌ای مدیریت می‌کند که کمترین آسیب به مجاهدین وارد شود. پیرم درباره حادثه پارک اتابک می‌نویسد؛ این پیش‌آمد شوم حادثه‌ای ناخواسته بود که با دخالت دست‌های پنهان به وقوع پیوست (Elmar, 350-380). میان پیرم و ستارخان هیچ دشمنی وجود نداشت و پیرم تمام تلاش خود را به کار بست تا این حادثه که دولت روسیه در آن نقش داشت، به وجود نیاید. ماجرای پارک اتابک، یکی از تلخ‌ترین

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

حوادث مشروطیت بود (مانوکیان، ۱۹۱-۱۹۰).

۳- فرجام کار یپرم و قطع همکاری داشناکسوتیون با مشروطه‌خواهان

حواددث پیش‌گفته، باعث خستگی یپرم شد، با این حال تا شکست کامل مستبدان و گروه‌های طرفدار محمدعلی شاه هنوز راه زیادی باقی مانده بود. محمدعلی شاه در ترکمن صحرا بود و قصد داشت با جمع‌آوری نیرو به تخت سلطنت برگردد (مانوکیان، ۲۰۰). در تبریز نیز از سال ۱۲۸۷ در مخالفت با اولتیماتوم روسیه، یکی از نزدیکان یپرم به نام «پترس»[1] از خود رشادت‌های بسیاری نشان داد، اما سرانجام با پذیرش اولتیماتوم و برتری نیروهای روسی، پترس توسط روس‌ها دستگیر و اعدام شد (کسروی، ۳۵۷-۳۵٦). یپرم برای فروکش کردن تحرکات ضد مشروطیت شاه مخلوع، یک گروه از مجاهدان زبده را به فرماندهی آسلان (اصلان)[2] به مازنداران اعزام کرد. نیروهای یپرم با اقتدار شهرهای بارفروش و ساری و کل مازندران را تصرف کردند و شاه مخلوع نیز سراسیمه به گرازنادف روسیه فرار کرد (*آلیک*، ش۲٤۱۰۷: ۳). پس از فرار شاه، آخرین امید نظام دیکتاتوری سابق به سالارالدوله، برادر شاه دوخته شد که از طرف غرب با جمع‌آوری نیروهای خوانین کرمانشاه و همدان به طرف پایتخت حرکت می‌کرد. این بار نیز یپرم با دلیری به جنگ با دشمن شتافت اما گویا در این جنگ مقدر بود چراغ رهبر آزاداندیشان مشروطه به فروغ بگرود (مانوکیان، ۲۱۰). در روز ٦ مه ۱۹۱۲ در جنگی در روستای بهار از توابع همدان، وقتی یکی از هم‌رزمان یپرم توسط نیروهای سالارالدوله زخمی می‌شود و یپرم به نجات او می‌شتابد، خود نیز مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و در راه خدمت به میهن کشته می‌شود (*آلیک*، ش۲٤۱۰۹، ۵). با مرگ یپرم حزب داشناکسوتیون همکاری خود با مشروطه‌خواهان را به پایان می‌رساند و با شروع جنگ جهانی نیروهای خود را از ایران به جبهه‌های جنگ ارمنستان می‌برد. به این ترتیب رهبران برجسته حزب داشناکسوتیون صحنه مشروطیت ایران را ترک می‌کنند (مانوکیان، ۲۱۲).

1. Petros
2. Aslan

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

نتیجه

گروه‌های مهاجر ارمنی قفقاز که در تشکیلات احزاب سیاسی چون داشناکسوتیون فعال بودند با ورود به ایران، توانستند از طریق روشنگری سیاسی بر آحاد مردم وطن‌پرست و آزادیخواه ایران تأثیر گذاشته و در تأسیس و راه‌اندازی احزاب سوسیال دموکرات ایران و ارتباط آنها با سوسیالیزم جهانی نقش میانجی و هم‌آهنگ کننده داشته باشند. ارامنه عضو حزب داشناکسوتیون از طریق ارتباط با دیگر احزاب آزادیخواه اروپایی و همچنین روابط گسترده این شبکه با مرزهای خارج از کشور باعث شدند تا صدای انقلاب ایران از محدوده جغرافیایی این کشور فراتر رفته و به گوش اروپاییان برسد. حزب داشناکسوتیون از طریق این ارتباطات، علاوه‌بر انتقال تجارب حزبی، سیاسی و نظامی، توانست منابع مالی احزاب در ایران را از طریق اعانات و مساعدت‌ها برای تأمین تسلیحات نظامی برآورده کند. انقلاب مشروطیت موجب اتحاد دو ملت ارمنی و ایرانی شده بود. مساعدت و همیاری ارامنه مقیم ایران با ارامنه مهاجر قفقاز در تحکیم روابط بین این دو ملت تأثیرگذار بوده‌است. در این رویداد تاریخی، ارامنه و حزب داشناکسوتیون نیز به‌دنبال دستاوردهایی بودند. حزب داشناکسوتیون با ایدئولوژی ملی گرایانه و سوسیالیزم که سوسیالیزم آن بیشتر رنگ و بوی وطنی و ملی داشت، توانست با احزاب ملی‌گرای ایران، که اهداف ضد استعماری داشتند ارتباط برقرار کرده و در یک صف قرار گیرند. به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌ها بعد از استقرار مشروطیت، از جمله اهدافی بود که حزب داشناکسوتیون و ارامنه به آن رسیدند. اما اهدافی مانند تسهیل ورود نیروهای ارمنی از طریق آذربایجان به استان واسپوراکان در ارمنستان غربی در رویارویی با دولت عثمانی، که می‌بایست از برکات مشروطیت برای ارامنه فراهم می‌شد، به‌وقوع نپیوست. بعد از انقلاب مشروطیت برخی از گروه‌های سیاسی با حمایت روسیه و انگلستان به دنبال تخریب چهره‌های سرشناس و تأثیرگذار حزب داشناکسوتیون از جمله پیرم بودند. آنها تلاش کردند تا چهره‌های تأثیرگذار در مشروطیت را توسط دیگر کنشگران مشروطیت از صحنه خارج کنند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

منابع

- اوهانیان، طاطاوس، افکار و اندیشه‌ها، تهران، انتشارات نائیری، ۱۳۸۷ش.
- آلیک، تهران، شماره، ۲٤۱۰٦، ۱٤۰۰ ش.
- آلیک، تهران، شماره، ۲٤۱۰۷، ۱٤۰۰ ش.
- آلیک، تهران، شماره، ۲٤۱۰۹، ۱٤۰۰ ش.
- آموریان، آندره حماسه پیرم، به کوشش هرایر خالاتیان، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳٥٤ش.
- تکمیل همایون، ناصر، مشروطه‌خواهی ایرانیان، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸٤ش.
- جلالی، سید سعید، ارامنه و انقلاب مشروطیت ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲ش.
- حایری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳٦٤ش.
- رائین، اسماعیل، پیرم‌خان سردار، تهران، انتشارات تحقیق رائین، ۱۳٥٥ش.
- روزنامه ایران نو، تهران، شماره ۳٤، ۱۲۸۰ ش.
- روزنامه نسیم شمال، تهران، سال اول، شماره ۲۳-۲۲، ۱۳۲۷ ش.
- زرگری نژاد، غلام‌حسین، رسائل مشروطیت، تهران، نشر کویر، ۱۳۷٤ش.
- سازمان اسناد ملی ایران،تهران، انتشارات شهربانی کل، شماره ۲۹۳۰۰۲٥۳۱، ۱۳٥٥ش.
- فتحی، مریم، کانون بانوان تهران، تهران، موسسه مطالعه تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳ش.
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷ش.
- مانوکیان، آرپی، حزب داشناک و جریان نهضت مشروطه، تهران، انتشارات رامرنگ، ۱۳۸۹ش.
- مزینانی، سید محمدرضا، «ارامنه و انقلاب مشروطه ایران»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹٥ ش.
- ملک‌زاده، مهدی، تاریخ مشروطیت ایران، تهران، علمی، ۱۳۷۱ش.
- نوایی، عبدالحسین، فتح تهران، تهران، انتشارات بابک، ۲٥۳٦ش.
- هدایت، رضاقلی خان، خاطرات و خطرات، تهران، نشر چشمه، ۱۳٤٤ش.
- بربریان، حوری، ارامنه و انقلاب مشروطه ایران(۱۲۹۱- ۱۲۸٥) عشق به وطن سرزمین نمی‌شناسد، ترجمه سامیه جرفی و حیسن علی‌پناه، تهران، انتشارات شیرازه، ۱۳۹۷ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]

– خارابی، فاروق، انجمن‌های عصر مشروطه، تهران، موسسه تحقیقات و علوم انسانی، ۱۳۸۶ش.
– خانلری، کارن، ارمنیان، «پیرم و انقلاب مشروطه»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹۵ ش.
– ططری، علی، «معرفی و بررسی سندی نویافته از حزب داشناکسوتیون»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹۵ش.
– نیکوقوسیان، آرمیك، «همکاری ارمنیان با مشروطه‌خواهان ایرانی از نگاه هراچیک سیمونیان»، تهران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۸۷، سال بیستم، ۱۳۹۵ش.
– ورهرام، غلامرضا، نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی در عصر قاجار، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۳ش.
– هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ش.

– Elmar, H., *Yeprem*, Tehran, Modern Edition, 1964.
– Simonian H., *Haiots Badmootun*, Erevan, University Edition, 2012.
– Varandian, Michael, *Hai H. Dashnaksootian Badmootun*, Tehran, Alik Edition, 1981.
– Vratsian, Simon, *Haiasdani Hanrabedutun*, Tehran, Alik Edition, 1982.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.48.113]